

عنوان مقاله:

علم سیاست و تحقق صلح مثبت در مناسبات بیناجنسیتی

محل انتشار:

سومین همایش سالانه انجمن علمی مطالعات صلح ایران «علوم انسانی و اجتماعی و صلح» (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 2

نویسنده:

ندا حاجی وثوق - دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران) و پژوهشگر مسایل زنان

خلاصه مقاله:

نابرابری جنسیتی مولفه بارز حیات اجتماعی انسان ها در طی قرون گذشته بوده است. اجماع نظر گسترده، ولی نه جهان شمول در خصوص برتری مردان بر زنان، در همه جوامع وجود دارد. با این حال، پر واضح است که در میزان و ماهیت نابرابری جنسیتی در جوامع گوناگون تفاوت های عمدهای وجود دارد؛ حتی در جوامعی که به لحاظ فرهنگی را مشاهده کرد و البته خصومت جنسی و سلطه مردان تساوی طلب هستند، می توان در بیشتر جوامع مردسالار نیز ممکن است زنان قدرت، اقتدار، استقلال و پرستیژ بسیاری برای خود فراهم آورند. در تعریفی ابتدایی، نابرابری جنسیتی عبارت است از توزیع نابرابر ثروت، قدرت و مزایای جامعه میان زنان و مردان. نابرابری جنسیتی را میتوان به مثابه وضعیتی تلقی کرد که در آن، زنان عموماً تحت سلطه مردان قرار دارند و موقعیت زنان و مردان به دو حوزه خصوصی و عمومی تفکیک شده است. نوع متفاوت مشارکت دو جنس در حوزه عمومی و زندگی اجتماعی، این گونه تمایزات را گسترش داده است و به نقضاجتماعی مردان، ارزش بیشتری می دهد. نابرابری جنسیتی در حوزههای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صورت های گوناگونی دارد؛ از جمله وابستگی اقتصادی زنان به مردان بر اساس مشارکت کمتر زنان در نیروی کار و دستمزدهای اندک برای آنها، وابستگی سیاسی ناشی از سلطه مردان بر ساختارهای قدرت سیاسی، وابستگی به اقتدار بیشتر مردان و قدرت تصمیمگیری آنها در خانواده و محل کار، وابستگی به قدرت مردان در تعیین و تعریف واقعیت اجتماعی، وابستگی به مردان در مراقبت از زنان در برابر خشونت سایر مردان و حتی، وابستگی روانشناختی زنان به مردان به واسطه پیوندهای عاطفی! نه فقط نفس نابرابری جنسیتی، بلکه پیامدهای آن در سطوح خرد، میانه و کلان، ضرورت توجه به این موضوع را آشکار می کند. تحقق اهداف توسعه هزاره و نیل به توسعه پایدار همه گیر و عادلانه، مستلزم رفع تبعیض ها و در مناسبات بیناجنسیتی تعبیر می شود. صلح مثبت نابرابری های جنسیتی است که از آن به در ایران نیز یکی از الزامات مبدل شدن به کشوری پیشرفته و ارتقاء شاخصهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تبدیل شدن به الگوی توسعه موفق، که در سند چشمانداز توسعه بیست ساله و سایر اسناد بالادستی تاکید شده است، توجه منطقی به جایگاه زنان در جامعه و تلاش برای کاهش نابرابری و بی عدالتی های جنسیتی است. پرسشی که در این مقاله بدان خواهیم پرداخت این است که علم سیاست به مثابه دانشی که مناسبات قدرت در جوامع انسانی را مورد واکاوی قرار می دهد، چه نقشی می تواند در تحقق صلح مثبت در مناسبات بیناجنسیتی در جامعه ایران داشته باشد با توجه به نقش بیبدیل علم و آگاهی در کاهش نابرابری ها و تحقق صلح در روابط بیناجنسیتی و نیز بین رشته ای بودن علم سیاست، فرض ما بر این است که این شاخه از دانش ظرفیت های فراوانی برای تغییر در پیش فرض ها و پیش پنداشت های متداول در خصوص توزیع برابر قدرت بین زن و مرد، رفع استیلای مردانه، حضور موثرتر زنان در حوزه عمومی، کاهش سلطه مردان بر ساختارهای قدرت سیاسی و در نهایت تحقق عدالت جنسیتی دارد. سعی خواهیم کرد با استفاده از روش اسنادی ...

کلمات کلیدی:

صلح مثبت، عدالت جنسیتی، علم سیاست، مردسالاری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/976368>



